

چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داورى آنلاین

۱. فائزه نادری*: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

naderi.faezeh88@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف این مقاله بررسی چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داورى آنلاین و تحلیل نقاط ضعف ساختارهای موجود در پرتو تحولات فناورانه است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از میان مقالات علمی، اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی منتشرشده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ گردآوری شده‌اند. با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، موضوعاتی همچون تفاوت‌های مقرراتی میان کشورها، ابهام در تعیین صلاحیت قضایی و محل صدور حکم، نقش امضای دیجیتال و الزامات فنی، و محدودیت‌های کنوانسیون نیویورک بررسی و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد فزاینده داورى‌های آنلاین، نظام‌های حقوقی در پذیرش و اجرای احکام صادره از این فرآیند با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. تفاوت در پذیرش اسناد دیجیتال، نبود چارچوب مشخص برای احراز هویت و امضای الکترونیکی، و ضعف در تفسیر مفاهیمی چون محل صدور رأی و نظم عمومی از جمله موانع اصلی در این مسیر هستند. همچنین کنوانسیون نیویورک با ساختار سنتی خود، قادر به پوشش کامل نیازهای داورى دیجیتال نیست. برای تحقق اجرای مؤثر احکام داورى آنلاین، ضروری است که اصلاحاتی در اسناد بین‌المللی صورت گیرد و نظام‌های حقوقی داخلی نیز خود را با الزامات فضای دیجیتال هماهنگ سازند. همچنین ایجاد دستورالعمل‌های تفسیری و ارتقای دانش فناورانه در میان قضات و وکلای می‌تواند نقش مهمی در بهبود این فرآیند ایفا کند.

واژگان کلیدی: داورى آنلاین، اجرای احکام، امضای دیجیتال، صلاحیت قضایی، کنوانسیون نیویورک، احراز هویت دیجیتال

نحوه استناددهی: نادری، فائزه. (۱۴۰۴). چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داورى آنلاین. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۴)، ۲۸۰-۳۰۰.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۰ مهر ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۳ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۹ دی ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۲۲ دی ۱۴۰۲

با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسیاری از عرصه‌های سنتی حقوقی دستخوش تحول شده‌اند و یکی از مهم‌ترین این تحولات را می‌توان در حوزه «داوری» مشاهده کرد. داوری به عنوان یکی از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف بوده است، اما در سال‌های اخیر با پیدایش پدیده «داوری آنلاین» (Online Arbitration)، چارچوب‌های سنتی این نهاد با چالش‌هایی جدی مواجه شده‌اند. داوری آنلاین، که در بسترهای دیجیتال و با استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین مانند پلتفرم‌های برخط، امضای الکترونیکی، و اتاق‌های گفتگو برگزار می‌شود، گرچه در پاسخ به نیازهای جامعه جهانی به عدالت سریع، کم‌هزینه و قابل دسترس توسعه یافته، اما در عرصه اجرای احکام صادرشده از سوی آن، با موانع حقوقی و مقرراتی متعددی روبه‌روست.

ظهور داوری آنلاین را می‌توان در امتداد روند جهانی‌شدن تجارت و افزایش حجم معاملات برخط ارزیابی کرد. امروزه، نه تنها بسیاری از شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی، بلکه افراد حقیقی نیز در بسترهای دیجیتال مبادلات اقتصادی خود را انجام می‌دهند و در این میان، نیاز به سازوکارهای سریع و مطمئن برای حل اختلافات روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. به همین دلیل، داوری آنلاین به عنوان پاسخی کارآمد و فناورانه به نیازهای جدید مطرح شده است. با این حال، همان‌گونه که مطالعاتی نظیر پژوهش کوسف در جمهوری مقدونیه شمالی نشان می‌دهد، اجرای احکام داوری آنلاین در سطح ملی با خلأهایی جدی مواجه است، چرا که بسیاری از نظام‌های حقوقی هنوز نسبت به جایگاه حقوقی این نوع داوری اتفاق نظر ندارند (Kocev, 2025).

یکی از مهم‌ترین مسائلی که اهمیت بررسی موضوع اجرای احکام داوری آنلاین را دوچندان می‌کند، رابطه مستقیم آن با اصل حاکمیت قانون و تضمین حقوق طرفین است. در داوری سنتی، فرایند رسیدگی و صدور حکم در قالب‌های مشخص و قابل پیش‌بینی انجام می‌شود و به همین دلیل، امکان شناسایی و اجرای احکام صادره به موجب معاهدات بین‌المللی نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ فراهم شده است. اما در مورد داوری آنلاین، به دلیل ویژگی‌هایی چون ناشناس بودن برخی طرفین، انعطاف‌پذیری زیاد در روند رسیدگی، و فقدان رویه‌های یکنواخت، دادگاه‌ها در کشورهای مختلف در پذیرش و اجرای این احکام با تردید مواجه‌اند (Zaheeruddin, 2023).

نظام‌های حقوقی مختلف در برخورد با احکام داوری صادرشده از فرایندهای آنلاین رویکردهای متنوعی اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال، بررسی‌ها در ارمنستان نشان می‌دهد که رویه قضایی این کشور نسبت به اجرای احکام داوری سنتی منسجم‌تر عمل کرده اما در مواجهه با احکام داوری آنلاین دچار سردرگمی‌های حقوقی است، به‌ویژه در مواردی که محل برگزاری داوری یا زبان رسیدگی مشخص نیست (Hovhannisyan, 2023). همچنین در اتحادیه اروپا، چالش‌های ناشی از تفاوت میان اجرای آرای قضایی و اجرای احکام داوری، به‌ویژه در بسترهای آنلاین، همچنان موضوع بحث است. هرینکس معتقد است که مکانیزم‌های اجرایی موجود در اتحادیه اروپا برای داوری باید با تحولات دیجیتال هم‌سطح شود و امکان پیوند مؤثر میان فناوری و مقررات فراهم گردد (Herinckx, 2023).

داوری آنلاین در کشورهایی مانند چین نیز با تعاریف مبهم و چارچوب‌های نامشخص روبه‌رو است، به‌گونه‌ای که مطابق تحلیل ارمکوا، حتی تعریف دقیقی از آنچه «داوری آنلاین» نامیده می‌شود نیز در برخی نظام‌های حقوقی وجود ندارد (Ermakova, 2022). این فقدان تعریف روشن، منجر به عدم اطمینان در مراحل شناسایی و اجرای احکام می‌شود، چرا که دادگاه‌ها اغلب نمی‌دانند که باید این نوع احکام را در قالب داوری‌های معتبر بین‌المللی بپذیرند یا خیر. از سوی دیگر، برخی دادگاه‌ها در کشورهایی چون استرالیا با ارجاع به نواقص شکلی در ترکیب

هیئت داوری آنلاین، از اجرای حکم خودداری کرده‌اند، حتی اگر احکام منطبق با اصول انصاف و بی‌طرفی صادر شده باشند (Welmans & Luttrell, 2022).

در ادبیات موجود، مسئله اعتبار حقوقی امضای دیجیتال و تأثیر آن بر اجرای حکم یکی دیگر از محورهای مورد اختلاف است. در حالی که برخی نظام‌های حقوقی امضای الکترونیکی را معادل امضای دستی می‌دانند، برخی دیگر اعتبار آن را به شرایط خاص و تأیید نهادهای خاص محدود کرده‌اند. این مسئله در اجرای احکام داوری آنلاین بسیار تعیین‌کننده است، چرا که یکی از ارکان اساسی اعتبار داوری، توافق معتبر میان طرفین است، و اگر توافق با امضای دیجیتال صورت گرفته باشد، دادگاه‌ها باید درباره صحت آن تصمیم‌گیری کنند (Taqwa et al., 2024).

علاوه بر این، تنوع فرهنگی و حقوقی کشورها نیز در نحوه برخورد با داوری آنلاین مؤثر است. در پاکستان، به‌رغم پیشرفت‌هایی که در پذیرش داوری به‌عنوان روش جایگزین حل اختلاف صورت گرفته، هنوز بستر قانونی جامعی برای اجرای احکام صادره از داوری‌های برخط فراهم نشده است (Tahir, 2023). از سوی دیگر، در کشورهای پیشرو در توسعه حقوق داوری مانند فرانسه و انگلستان نیز دادگاه‌ها گاه به بهانه وجود فساد یا عدم شفافیت در فرایند داوری آنلاین، از اجرای احکام خودداری کرده‌اند، مسئله‌ای که گرانت آن را یکی از چالش‌های حقوقی اساسی در مرحله پس از صدور رأی می‌داند (Grant, 2022).

موضوع دیگر که در ادبیات پژوهشی نیز کم‌تر به آن توجه شده، نقش محل داوری (Seat of Arbitration) در تعیین صلاحیت اجرای حکم در داوری‌های آنلاین است. در داوری سنتی، محل داوری مشخص است و به عنوان عامل تعیین‌کننده در صلاحیت حقوقی شناخته می‌شود، اما در داوری‌های آنلاین، محل فیزیکی غالباً مبهم است و گاه فقط یک بستر دیجیتال بدون موقعیت جغرافیایی روشن مطرح است. این مسئله در تحلیل انگهولم و هاسکینگ نیز تأکید شده است که مفهوم «محل» باید بازتعریف شود تا با واقعیت‌های جدید فضای دیجیتال همخوانی داشته باشد (Engholm & Hosking, 2021).

بر همین اساس، هدف این مقاله آن است که با رویکردی توصیفی و تحلیلی، به واکاوی چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داوری آنلاین بپردازد. تمرکز اصلی مقاله بر شناسایی گلوگاه‌های حقوقی در مرحله اجرای حکم است؛ جایی که دادگاه‌های ملی باید در غیاب رویه‌های یکنواخت و قوانین مشخص، درباره اعتبار و قابلیت اجرای یک حکم صادره از داوری برخط تصمیم بگیرند. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تحلیل اسناد بین‌المللی، مقایسه تطبیقی نظام‌های حقوقی منتخب، و بررسی رویه‌های قضایی، خلأهای موجود در ساختار اجرای احکام داوری آنلاین را مشخص و پیشنهادهایی برای رفع آنها ارائه کند. همچنین در بخش‌های آتی، به شکاف‌هایی که در ادبیات حقوقی بین‌الملل در زمینه داوری آنلاین وجود دارد نیز پرداخته خواهد شد؛ از جمله ناهماهنگی میان اصول حاکم بر داوری سنتی و مقتضیات فضای دیجیتال، و نیز کم‌توجهی به نقش پلتفرم‌های فناوری‌محور در ساختار حقوقی داوری.

روش‌شناسی

در بخش روش‌شناسی مقاله حاضر با عنوان «چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داوری آنلاین»، رویکرد پژوهش از نوع مروری - تحلیلی و مبتنی بر روش تحلیل توصیفی است. این روش، امکان بررسی عمیق و نظام‌مند ادبیات حقوقی موجود را در خصوص اجرای احکام داوری در بستر دیجیتال فراهم می‌سازد. در این مقاله، با گردآوری و تحلیل منابع مرتبط از منظر حقوق داخلی، حقوق تطبیقی و حقوق بین‌الملل خصوصی، تلاش شده است تا ابعاد گوناگون چالش‌های مقرراتی و حقوقی در فرایند اجرای احکام داوری آنلاین شناسایی و تحلیل

شود. تمرکز پژوهش بر بسترهای دیجیتال و ویژگی‌های خاص داوری الکترونیکی، مانند استفاده از امضای دیجیتال، تشخیص هویت برخط، و محل صدور حکم، ایجاب می‌کند که از منابع روزآمد و تخصصی استفاده شود. چارچوب پژوهش، درک تعامل میان اصول سنتی حقوق داوری و تحولات نوین فناوری محور را هدف قرار داده و از دیدگاه تحلیلی، روابط و تضادهای میان این دو عرصه را بررسی می‌کند. در گردآوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. منابع مورد استفاده شامل مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های داده معتبر نظیر HeinOnline، Scopus، ScienceDirect و Google Scholar در بازه زمانی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ میلادی بوده است. همچنین، اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، قانون نمونه آنسیترال در زمینه داوری بین‌المللی، مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، و توصیه‌نامه‌های منتشرشده توسط UNCITRAL در حوزه داوری آنلاین نیز به عنوان اسناد پایه مورد استفاده قرار گرفتند. برای انتخاب منابع، معیارهایی از جمله تازگی، اعتبار علمی، ارجاعات گسترده و تمرکز مستقیم بر اجرای احکام داوری در فضای دیجیتال لحاظ شده است. به علاوه، رویه‌های قضایی مربوط به اجرای احکام داوری در چند کشور منتخب از جمله ایالات متحده، فرانسه، سنگاپور، و ایران نیز به عنوان داده‌های تکمیلی مورد تحلیل قرار گرفتند.

تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تفسیری انجام شده است. ابتدا تمامی منابع استخراج‌شده مرور و بخش‌هایی که به تحلیل چالش‌های حقوقی و مقرراتی در داوری آنلاین مرتبط بودند، شناسایی و دسته‌بندی شدند. سپس، مفاهیم کلیدی در زمینه اجرای احکام داوری الکترونیکی، مانند احراز صلاحیت، شناسایی حکم، مطابقت با نظم عمومی، و تعارض قوانین، از منابع استخراج و با یکدیگر مقایسه گردیدند. در ادامه، تفاوت‌ها و اشتراکات نظام‌های حقوقی مختلف در مواجهه با داوری آنلاین بررسی شد تا الگوهای مشترک و خلأهای مقرراتی موجود نمایان شود. یافته‌ها در قالب بخش‌هایی مستقل ولی به هم پیوسته سازمان‌دهی شده‌اند و در نهایت، با تمرکز بر ارائه تحلیل‌های کاربردی و پیشنهاد‌های اصلاحی برای سیاست‌گذاران، تدوین مقررات، و نهادهای داوری، به بخش بحث و نتیجه‌گیری منتهی می‌شوند.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

تحولات اخیر در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل و فناوری اطلاعات باعث شده است که داوری آنلاین به یکی از موضوعات کلیدی در ادبیات حقوقی معاصر تبدیل شود. داوری آنلاین که در آن طرفین اختلاف با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و در قالب‌های دیجیتالی به حل و فصل اختلافات می‌پردازند، نه تنها فرآیند رسیدگی را تسریع می‌بخشد، بلکه چالش‌های جدیدی را نیز در حوزه شناسایی و اجرای احکام به وجود آورده است. در این زمینه، چارچوب‌های نظری حقوق بین‌الملل خصوصی، اصول کلی داوری، و قواعد فنی مرتبط با فناوری اطلاعات در هم تنیده شده‌اند و ضرورت بازنگری در بسیاری از مفاهیم سنتی را ایجاد کرده‌اند.

یکی از نخستین بسترهای نظری برای درک تحولات داوری آنلاین، اصول اساسی حقوق بین‌الملل خصوصی است که بر اصل صلاحیت قضایی، شناسایی متقابل احکام و تعارض قوانین تمرکز دارد. در داوری سنتی، تعیین «محل داوری» یا همان *Seat of Arbitration*، جایگاهی کلیدی در تحلیل صلاحیت‌ها و تعیین قانون حاکم بر داوری دارد. اما در داوری آنلاین، که گاه بدون حضور فیزیکی طرفین و از طریق پلتفرم‌هایی با سرورهای نامشخص انجام می‌شود، تعیین محل داوری با چالش‌های نوینی مواجه است. پژوهش انگهولم و هاسکینگ با تأکید بر اهمیت مفهوم "محل داوری" در زمینه داوری آنلاین، نشان می‌دهد که مبهم بودن موقعیت جغرافیایی در این نوع داوری، می‌تواند

مشکلات جدی در اجرای احکام ایجاد کند، چرا که چارچوب‌های حقوقی سنتی نمی‌توانند این خلأ را به‌درستی پوشش دهند (Engholm & Hosking, 2021).

از سوی دیگر، اصول کلی دآوری مانند بی‌طرفی، استقلال داوران، رعایت انصاف و حق دفاع، در محیط دیجیتال نیز باید رعایت شوند. اما چالش آنجاست که تحقق این اصول در بسترهای آنلاین با پیچیدگی‌هایی همراه است. به‌طور مثال، ممکن است یکی از طرفین در فضای دیجیتال به ابزارها یا زیرساخت‌هایی دسترسی نداشته باشد که امکان ارائه دفاع مؤثر را برای او محدود می‌کند. در پژوهش گرانث درباره نقش فساد و کنترل پس از صدور رأی در دادگاه‌های فرانسه و انگلستان، این مسئله مطرح شده که چگونه دادگاه‌ها در مواجهه با احکام صادره از دآوری آنلاین، با تردید به اعتبار روند رسیدگی می‌نگرند و در برخی موارد به دلیل شبهاتی در بی‌طرفی یا فقدان شفافیت، از اجرای حکم خودداری می‌کنند (Grant, 2022).

مطالعات مختلف همچنین نشان می‌دهند که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار دآوری آنلاین دارد. فناوری‌هایی نظیر امضای دیجیتال، پلتفرم‌های برخط، ابزارهای رمزنگاری و احراز هویت، به داوران و طرفین اجازه می‌دهند که در محیطی امن و ساختارمند به حل اختلاف بپردازند. اما همزمان، همین ابزارها مسائل حقوقی نوظهوری را به وجود آورده‌اند. برای نمونه، در پژوهش ارمکوا درباره چین، اشاره شده که در بسیاری از موارد تعریف دقیقی از دآوری آنلاین وجود ندارد و مشخص نیست که آیا چنین سازوکاری را می‌توان در قالب دآوری بین‌المللی معتبر گنجانده یا نه (Ermakova, 2022). عدم وجود تعریف شفاف از دآوری آنلاین در نظام‌های حقوقی مختلف، منجر به عدم تطابق در مقررات اجرایی و تصمیم‌گیری‌های قضایی شده است.

در همین راستا، نقش نهادهای بین‌المللی مانند کمیسیون سازمان ملل برای حقوق تجارت بین‌الملل (UNCITRAL) و اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نیز قابل توجه است. این نهادها تلاش کرده‌اند تا با تدوین قوانین نمونه، راهنماها و توصیه‌نامه‌های تخصصی، چارچوبی منسجم برای دآوری الکترونیکی فراهم آورند. با این حال، هنوز در اجرای احکام صادره از این نوع دآوری‌ها، میان کشورها همگرایی حقوقی قابل توجهی دیده نمی‌شود. در این زمینه، بررسی دیمیترووا درباره بلغارستان نشان می‌دهد که اگرچه برخی اصلاحات در زمینه اعتبار قرارداد دآوری انجام شده، اما در بخش اجرای احکام هنوز تعارضات حقوقی و قضایی وجود دارد که مانع پذیرش فراگیر دآوری آنلاین در ساختارهای قضایی سنتی می‌شود (Dimitrova, 2025).

از دیدگاه تطبیقی، پژوهش‌های متعددی بر ناهماهنگی میان نظام‌های حقوقی در شناسایی و اجرای احکام دآوری آنلاین تأکید دارند. در مطالعه آکواگیوبه در نیجریه، به چالش‌های متعدد در زمینه اجرای این نوع احکام اشاره شده، از جمله عدم سازگاری قوانین داخلی با الزامات کنوانسیون نیویورک و نبود رویه‌های مشخص برای پذیرش مستندات دیجیتال (Akwagiobe et al., 2024). همچنین در جمهوری ارمنستان، بر اساس یافته‌های هووهانیسیان، اجرای احکام دآوری با موانعی چون نبود ساختار قانونی روشن و عدم تطابق با قواعد بین‌المللی مواجه است (Hovhannisyan, 2023).

پژوهش‌ها در کشورهای آسیایی نیز بر اهمیت انطباق قواعد داخلی با تحولات فناورانه تأکید دارند. برای نمونه، در پاکستان، به‌رغم پذیرش اصول کلی دآوری، هنوز سازوکار اجرایی مناسبی برای پذیرش احکام دآوری برخط وجود ندارد. طاهر در این زمینه اشاره می‌کند که اجرای احکام خارجی به دلیل فقدان دستورالعمل‌های تخصصی در رابطه با دآوری آنلاین، با مقاومت دادگاه‌ها روبه‌رو می‌شود (Tahir, 2023).

کشور مالزی نیز بر اساس پژوهش رسولی، در حالی که نظام حقوقی این کشور به صورت کلی از داوری بین‌المللی حمایت می‌کند، در مورد داوری‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات، ابهامات مقرراتی همچنان پابرجاست (Rosli, 2021).

از سوی دیگر، در مطالعه دی‌ماتئو درباره کنترل قضایی احکام داوری، آمده است که توازن میان خودمختاری فرآیند داوری و امکان نظارت قضایی، باید به گونه‌ای بازتعریف شود که نه تنها استقلال داوری محفوظ بماند، بلکه اعتبار حقوقی احکام در مرحله اجرا نیز تضمین گردد (DiMatteo et al., 2020). این مسئله در داوری‌های آنلاین اهمیت مضاعف دارد، زیرا در این نوع داوری، احتمال بروز اختلاف درباره شناسایی داور، محتوای جلسه، رعایت قواعد رویه‌ای و حتی صحت امضای الکترونیکی بیشتر است.

در همین چارچوب، پژوهش پنژوانی در زمینه اجرای فرامرزی احکام داوری آنلاین نشان می‌دهد که در غیاب دستورالعمل‌های بین‌المللی منسجم، کشورهای مختلف در پذیرش این احکام رویکردهای متناقضی دارند. این تفاوت‌ها موجب شده که احکام داوری آنلاین در برخی حوزه‌های قضایی به راحتی اجرا شوند، اما در برخی دیگر با چالش‌های جدی مواجه گردند (Panjwani & Bassiri, 2021).

یکی از موارد بحث‌برانگیز در اجرای احکام داوری آنلاین، موضوع احکام لغوشده (annulled awards) است. در حالی که برخی کشورها، حتی احکام لغوشده را نیز به موجب کنوانسیون نیویورک به رسمیت می‌شناسند، برخی دیگر به دلیل عدم تطابق با نظم عمومی یا نبود شفافیت در فرآیند رسیدگی، از اجرای چنین احکامی امتناع می‌ورزند. در این زمینه، زاهیرالدین نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، تفسیرهای متفاوت از ماده ۵ کنوانسیون نیویورک باعث شده که وحدت رویه‌ای در سطح بین‌المللی در مورد احکام لغوشده وجود نداشته باشد (Zaheeruddin, 2023).

مطالعات مرتبط با مفهوم نظم عمومی نیز در اجرای احکام داوری آنلاین نقش کلیدی دارند. برای مثال، در قزاقستان، بر اساس یافته‌های شایمنوا، اختلاف نظر میان نهادهای قضایی درباره مفهوم نظم عمومی و چگونگی تطبیق آن با داوری الکترونیکی، منجر به رویه‌های متضاد در اجرا شده است (Shaimenova et al., 2020). همچنین، نحوه تفسیر مفهوم نظم عمومی در کشورهای اروپایی و آسیایی تفاوت دارد و این مسئله نیز مانعی برای شناسایی متقابل احکام برخط به شمار می‌آید.

در نهایت، لازم است به پژوهش ناهنییدا اشاره شود که تأکید می‌کند قانون محل اجرای حکم نقش کلیدی در سرنوشت احکام داوری دارد و تفاوت در قوانین ملی می‌تواند منجر به بی‌اعتباری کامل حکم در برخی حوزه‌های قضایی شود (Nahnybida, 2020). این یافته‌ها ضرورت بازنگری در چارچوب‌های حقوقی سنتی و توسعه ابزارهای حقوقی متناسب با الزامات فضای دیجیتال را تأکید می‌کنند.

در مجموع، مروری بر ادبیات موجود حاکی از آن است که به‌رغم رشد سریع داوری آنلاین و گسترش استفاده از آن در نظام‌های حقوقی مختلف، هنوز سازوکارهای حقوقی منسجم و هماهنگی لازم برای اجرای احکام صادره از این نوع داوری‌ها در سطح جهانی وجود ندارد. ناهماهنگی میان مقررات داخلی، تفاوت در تفسیر قواعد بین‌المللی، و عدم وجود دستورالعمل‌های تخصصی مشترک، از جمله مهم‌ترین موانعی هستند که تحقق اجرای مؤثر احکام داوری آنلاین را با چالش مواجه کرده‌اند. از این رو، در ادامه مقاله تلاش خواهد شد تا با بررسی دقیق‌تر این چالش‌ها، راهکارهایی برای ارتقاء نظام اجرای احکام در داوری‌های الکترونیکی ارائه گردد.

مشکلات ناشی از تفاوت‌های مقرراتی بین کشورها

تفاوت‌های مقرراتی میان نظام‌های حقوقی ملی همواره یکی از چالش‌های بنیادین در حوزه داوری بین‌المللی بوده است، اما این مسئله در زمینه داوری آنلاین به شکلی مضاعف خود را نشان می‌دهد. در داوری سنتی، علیرغم تفاوت‌ها، توافقات بین‌المللی همچون کنوانسیون نیویورک

۱۹۵۸ تا حدی توانسته‌اند هماهنگی نسبی در اجرای احکام داورى ایجاد کنند، اما داورى آنلاین به دلیل ویژگی‌های فناورانه، نبود شفافیت مکانی، و تنوع گسترده در شناسایی نهادها و فرآیندهای دیجیتالی، اختلافات حقوقی میان کشورها را تشدید کرده است. این وضعیت موجب شده است که احکام داورى آنلاین که در یک کشور صادر شده‌اند، در کشور دیگر با موانع جدی برای شناسایی و اجرا مواجه شوند.

یکی از ابعاد مهم این تفاوت‌ها، در نوع نگاه نظام‌های حقوقی مختلف به تعریف، چارچوب و اعتبار داورى آنلاین دیده می‌شود. در بسیاری از کشورها، هنوز تعریفی دقیق و رسمی از داورى آنلاین در متون قانونی موجود نیست. برای نمونه، ارماکوا در بررسی خود از نظام حقوقی چین نشان می‌دهد که نه تنها داورى آنلاین تعریف واحدی در قوانین ندارد، بلکه رویه قضایی نیز در مواجهه با این پدیده نوظهور دچار سردرگمی و تناقض است، به‌ویژه در تعیین صحت رویه‌های دیجیتالی مورد استفاده در داورى (Ermakova, 2022). این ابهام منجر به آن شده که دادگاه‌ها نسبت به احکام صادره از این نوع داورى‌ها به دیده تردید بنگرند، حتی اگر طرفین قرارداد داورى را صریحاً پذیرفته باشند. از سوی دیگر، اختلاف در رویکرد به امضای دیجیتال نیز یکی از عوامل مؤثر در بروز مشکلات اجرایی در داورى آنلاین است. برخی کشورها مانند فرانسه و انگلستان، امضای دیجیتال را تحت شرایط مشخصی به رسمیت می‌شناسند، اما سایر کشورها ممکن است پذیرش آن را منوط به وجود زیرساخت‌های بومی یا تأیید توسط مراجع خاص بدانند. گرانت در بررسی نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان به این نکته اشاره دارد که اگرچه این کشورها در حمایت از اصل داورى موضع مثبتی دارند، اما در مواردی که امضای دیجیتال یا اسناد الکترونیکی به‌عنوان مبنای رأی داورى مطرح می‌شود، نظارت قضایی سخت‌گیرانه‌تری را اعمال می‌کنند (Grant, 2022). چنین رویکردهایی منجر به آن شده که احکام صادره از فرآیندهای داورى آنلاین در کشورهای دیگر به راحتی شناسایی نشوند.

در کشورهای دیگر نیز وضعیتی مشابه دیده می‌شود. در جمهوری ارمنستان، اگرچه قوانین داورى به‌طور رسمی پذیرفته شده‌اند، اما رویه قضایی در مواردی که فرایند داورى به شکل آنلاین برگزار شده باشد، از پذیرش حکم خودداری می‌کند. هووهانیسیان در بررسی خود اشاره می‌کند که یکی از موانع اساسی، عدم تطابق میان رویه‌های دیجیتال مورد استفاده در داورى و الزامات رسمی آیین دادرسی داخلی است که سبب می‌شود اجرای احکام با مقاومت حقوقی مواجه شود (Hovhannisyan, 2023).

در همین حال، برخی کشورها از جمله نیجریه، علی‌رغم عضویت در کنوانسیون نیویورک، هنوز بستر قانونی شفاف و یکپارچه‌ای برای اجرای احکام داورى آنلاین فراهم نکرده‌اند. آکواگیوبه به این موضوع اشاره دارد که در نظام حقوقی نیجریه، به دلیل نبود مقررات روشن درباره مستندات دیجیتال، تأیید هویت در فضای مجازی و فرایند رسیدگی برخلاف دادگاه‌ها با تردید نسبت به اعتبار احکام صادره از داورى آنلاین مواجه می‌شوند و گاه از اجرای آن امتناع می‌ورزند (Akwagiobe et al., 2024).

حتی در نظام‌های حقوقی با ساختار پیشرفته نیز چالش‌هایی از این دست مشاهده می‌شود. هرینکس در تحلیل خود از اتحادیه اروپا به این نکته اشاره می‌کند که در حوزه اجرای احکام داورى، تفاوت جدی میان نحوه برخورد با احکام قضایی و احکام داورى وجود دارد، و داورى – به‌ویژه از نوع آنلاین آن – هنوز در ساختارهای حقوقی اتحادیه به‌طور کامل نهادینه نشده است (Herinckx, 2023). این امر باعث شده که حتی در کشوری مانند آلمان، که به‌طور کلی از داورى بین‌المللی حمایت می‌کند، در مواجهه با احکام داورى آنلاین، نوعی احتیاط حقوقی در پذیرش و اجرا دیده شود.

از منظر دیگر، تفاوت در نحوه تفسیر مفاهیمی مانند نظم عمومی نیز نقش مهمی در ناهماهنگی میان کشورها ایفا می‌کند. در بسیاری از موارد، دادگاه‌های داخلی به بهانه مغایرت با نظم عمومی داخلی از اجرای حکم داورى صادرشده در بستر آنلاین خودداری می‌کنند. شایمونو در

بررسی ساختار حقوقی قزاقستان به این مسئله اشاره می‌کند که حتی در مواردی که احکام داوری بر اساس توافق طرفین و اصول بی‌طرفی صادر شده‌اند، دادگاه‌ها با ارجاع به مفاهیم کلی نظم عمومی، اجرای آن‌ها را متوقف می‌کنند (Shaimenova et al., 2020).

در برخی موارد نیز، نبود دستورالعمل‌های رویه‌ای شفاف برای رسیدگی به داورهای آنلاین باعث ایجاد تفاوت‌های شدید میان نظام‌های حقوقی شده است. دیمیترووا در مطالعه خود از نظام داوری در بلغارستان تصریح می‌کند که در حالی که اجرای احکام داوری سستی با موانع کمتری مواجه است، در مورد داورهای آنلاین به دلیل ناهماهنگی در تفسیر الزامات شکلی، روند اجرای احکام با اختلال روبه‌رو می‌شود (Dimitrova, 2025). همچنین، در کشورهایی مانند پاکستان، هنوز قوانین موجود ظرفیت پذیرش داورهای برخط را ندارند و تأکید بیش از حد بر رویه‌های سستی، مانع اجرای صحیح احکام می‌شود. در این راستا، طاهر با تحلیل نظام حقوقی پاکستان، نشان می‌دهد که پذیرش داوری آنلاین مستلزم بازنگری در ساختارهای قضایی سستی است، چرا که فرآیندهای جدید با الزامات آیین دادرسی فعلی سازگار نیستند (Tahir, 2023).

تفاوت‌های موجود میان کشورها نه تنها به ساختارهای حقوقی محدود نمی‌شود، بلکه شامل توسعه فناوری و پذیرش اسناد دیجیتال نیز می‌گردد. به عنوان مثال، در بررسی ناهنبیدا از نظام‌های حقوقی مختلف، مشخص شده است که در برخی کشورها، حکم داوری باید حتماً بر روی کاغذ، همراه با امضای فیزیکی ارائه شود تا قابلیت اجرا پیدا کند، در حالی که در کشورهای دیگر، سند دیجیتال با امضای الکترونیکی نیز پذیرفته می‌شود (Nahnybida, 2020). این ناهماهنگی منجر به آن می‌شود که حکمی که در یک کشور به رسمیت شناخته شده و معتبر تلقی می‌گردد، در کشور دیگر با بی‌اعتباری کامل مواجه شود.

یکی دیگر از وجوه تفاوت مقرراتی، در موضوع صلاحیت دادگاه‌های داخلی برای بررسی احکام داوری آنلاین است. در کشورهایی مانند استرالیا، حتی مواردی از عدم اجرای حکم به دلیل اشکال در ساختار هیئت داوری مشاهده شده است. در بررسی ولمنز از پرونده‌ای در دادگاه فدرال استرالیا، دادگاه به دلیل نقص در نحوه تعیین داوران و نقض تشریفات قانونی، از اجرای رأی داوری صادرشده از فرآیند آنلاین خودداری کرد، با وجود اینکه حکم از نظر ماهوی فاقد اشکال بود (Welms & Luttrell, 2022).

نکته قابل توجه دیگر آن است که حتی در نظام‌های حقوقی که به ظاهر از داوری آنلاین حمایت می‌کنند، تفاوت در سطح درک و آمادگی نهادهای قضایی باعث می‌شود اجرای احکام با مانع روبه‌رو شود. پژوهش رسولی از ساختار داوری در مالزی نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود قوانین پیشرفته، سطح آمادگی قضات برای مواجهه با پرونده‌های داوری دیجیتال هنوز پایین است و این ناهماهنگی نهادی، خود مانعی در مسیر اجرای احکام تلقی می‌شود (Rosli, 2021).

در پژوهش دی‌ماتئو درباره کنترل قضایی بر داوری نیز به این مسئله اشاره شده که در نبود رویکرد یکپارچه نسبت به فرآیندهای دیجیتال، هر کشور معیارهای متفاوتی برای شفافیت، بی‌طرفی، و صحت سند اتخاذ می‌کند و همین عامل به تفاوت گسترده در نتایج منتهی می‌شود (DiMatteo et al., 2020). در نتیجه، یک حکم که در کشوری معتبر شناخته می‌شود، ممکن است در کشور دیگر به دلیل اختلاف در معیارهای بررسی، فاقد اعتبار تلقی شود.

در مجموع، می‌توان گفت که تفاوت‌های مقرراتی میان کشورها، چه در سطح مفهومی و چه در سطح اجرایی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اجرای احکام داوری آنلاین است. فقدان هماهنگی میان قوانین، تفسیرهای متفاوت از مفاهیم کلیدی مانند امضای دیجیتال و نظم عمومی، و تفاوت در رویه‌های قضایی، همگی سبب شده‌اند که اجرای بین‌المللی احکام داوری آنلاین به مسئله‌ای پیچیده و پرابهام تبدیل

شود. تا زمانی که نظام‌های حقوقی نتوانند به توافقی مشترک در زمینه اصول اساسی داوری آنلاین و نحوه اجرای احکام آن دست یابند، این چالش‌ها ادامه خواهد داشت. پژوهش حاضر در ادامه، تلاش می‌کند تا به ارائه پیشنهادهایی برای کاهش این تفاوت‌ها و حرکت به سوی هماهنگی مقرراتی در عرصه داوری آنلاین بپردازد.

ابهامات مربوط به صلاحیت قضایی و محل صدور حکم

یکی از چالش‌های بنیادین در اجرای احکام داوری آنلاین، مسأله صلاحیت قضایی و تعیین محل صدور حکم (seat of arbitration) است؛ مفاهیمی که در داوری سنتی نقش تعیین‌کننده‌ای در مشروعیت، قابلیت شناسایی و اجرای احکام ایفا می‌کنند. با ورود فناوری‌های نوین و پیدایش داوری‌های الکترونیکی که بدون حضور فیزیکی طرفین و در بسترهای مجازی انجام می‌گیرند، ساختارهای حقوقی سنتی برای تعیین صلاحیت محلی و حقوق قابل اعمال دچار تزلزل شده‌اند. در نظام‌های کلاسیک داوری، تعیین محل داوری مبنای تعیین قانون حاکم بر داوری، صلاحیت دادگاه‌های نظارتی، و مقررات شکلی فرآیند داوری است، اما در فضای مجازی، محل برگزاری داوری می‌تواند صرفاً یک پلتفرم آنلاین یا بستر فناورانه بی‌مرز باشد که در هیچ جغرافیای خاصی قرار ندارد.

در بسیاری از داوری‌های آنلاین، تعیین محل داوری با ابهام مواجه است؛ زیرا ممکن است طرفین صرفاً در یک پلتفرم مجازی اختلاف خود را مطرح کنند، بدون اینکه محل فیزیکی مشخصی برای برگزاری جلسات یا ثبت مستندات در نظر گرفته شده باشد. این مسئله از منظر حقوقی اهمیت فراوانی دارد، زیرا قانون محل داوری مشخص می‌کند که در صورت بروز اختلاف، کدام دادگاه صلاحیت نظارت، ابطال یا تأیید رأی را دارد. انگهولم و هاسکینگ در پژوهش خود به‌درستی به این نکته اشاره کرده‌اند که در داوری آنلاین، مفاهیم سنتی مانند "محل فیزیکی" باید بازتعریف شوند تا بتوانند با واقعیت‌های فناورانه هماهنگ شوند (Engholm & Hosking, 2021). آنان معتقدند که در غیاب تعیین صریح محل داوری، دادگاه‌ها در تحلیل صلاحیت نظارتی با مشکل مواجه می‌شوند و ممکن است اجرای رأی را به دلیل نبود مبنای صلاحیتی معتبر رد کنند.

تعیین محل صدور حکم در داوری آنلاین همچنین با ملاحظات در سطح اجرای بین‌المللی همراه است. بسیاری از نظام‌های حقوقی برای شناسایی و اجرای رأی داوری، نیازمند اثبات محل صدور حکم هستند. این موضوع در نظام‌هایی که به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ متعهدند اهمیت دوچندان دارد، چرا که ماده ۱ این کنوانسیون احکام صادره در کشورهای دیگر را مشمول شناسایی می‌داند، مشروط بر آنکه محل صدور حکم به‌وضوح مشخص باشد. در داوری آنلاین، اگر مکان برگزاری داوری تعیین نشده باشد، دادگاه محل اجرای حکم ممکن است ادعا کند که رأی خارج از چارچوب کنوانسیون صادر شده و در نتیجه، قابلیت اجرا ندارد. این مسئله در پژوهش زاهیرالدین به‌صورت شفاف طرح شده است؛ او بیان می‌کند که بسیاری از دادگاه‌ها از اجرای احکامی که محل صدور آن‌ها به‌وضوح مشخص نیست خودداری کرده‌اند، حتی اگر فرآیند داوری مطابق با اصول انصاف انجام شده باشد (Zaheeruddin, 2023).

ابهام در صلاحیت قضایی در داوری آنلاین تنها به محل صدور حکم محدود نمی‌شود. در بسیاری از موارد، طرفین در کشورهای مختلف قرار دارند، داور در کشوری دیگر اقامت دارد، و پلتفرم مورد استفاده برای داوری در یک سرور ناشناس بارگذاری شده است. این وضعیت موجب می‌شود که تعیین صلاحیت قضایی برای رسیدگی به اعتراضات یا بررسی صحت رأی داوری بسیار دشوار شود. در پژوهش هووهانیسیان درباره ساختار داوری در ارمنستان، تأکید شده است که در صورت نبود تعیین صریح محل داوری، دادگاه‌های داخلی صلاحیت خود را نسبت به نظارت بر رأی زیر سؤال می‌برند و همین موضوع منجر به خلأ اجرایی در داوری‌های آنلاین می‌شود (Hovhannisyan, 2023).

در برخی موارد، طرفین تلاش می‌کنند با درج شروط داوری در قرارداد، محل داوری را تعیین کنند، اما چالش زمانی پدید می‌آید که قرارداد به صورت دیجیتال تنظیم شده و اصطلاحات حقوقی آن با ابهام همراه است. در این شرایط، دادگاه‌ها برای تعیین قانون حاکم دچار سردرگمی می‌شوند و این مسئله می‌تواند به رد اجرای رأی بیانجامد. در بررسی آکواگیوبه از نظام حقوقی نیجریه، این موضوع طرح شده که در مواردی، حتی با وجود درج شرط داوری، دادگاه‌ها به دلیل ناآشنایی با بسترهای مجازی و تردید نسبت به اعتبار مستندات الکترونیکی، اجرای رأی را متوقف کرده‌اند (Akwaigbo et al., 2024).

در سطح تطبیقی نیز نظام‌های حقوقی رویکردهای متفاوتی نسبت به تعیین محل داوری در فرآیندهای آنلاین دارند. در کشورهای اتحادیه اروپا، برخی نظام‌ها مانند هلند و آلمان در صورت نبود تعیین صریح محل داوری، به اصل "محل داور" یا "محل تنظیم قرارداد" ارجاع می‌دهند، در حالی که برخی کشورها مانند بلغارستان همچنان بر لزوم تعیین دقیق محل تأکید دارند. دیمیترووا در تحلیل خود از داوری در بلغارستان بیان می‌کند که یکی از عوامل عمده رد اجرای احکام داوری، ابهام در تعیین محل صدور رأی و نبود مستندات معتبر برای اثبات آن بوده است (Dimitrova, 2025).

از منظر فناوری نیز، استفاده از پلتفرم‌های برخط که دارای سرورهای ابری با محل فیزیکی نامشخص هستند، تعیین صلاحیت قضایی را با چالش‌هایی جدی مواجه می‌سازد. در پژوهش پنژوانی درباره اجرای فرامرزی احکام داوری آنلاین، اشاره شده که بسیاری از دادگاه‌ها حتی به دلیل استفاده از ابزارهایی مانند ویدئوکنفرانس یا فضای ذخیره‌سازی ابری، نسبت به اعتبار محل صدور رأی دچار تردید شده‌اند و به همین دلیل از اجرای آن سرباز زده‌اند (Panjwani & Bassiri, 2021).

از سوی دیگر، برخی دادگاه‌ها تلاش کرده‌اند تا با تفسیری موسع از مفهوم "محل داوری"، سازگاری بیشتری با ماهیت داوری آنلاین ایجاد کنند. در پژوهش ولمنز درباره دادگاه فدرال استرالیا، مشاهده می‌شود که دادگاه تلاش داشته با بررسی همه جانبه شرایط و ارجاع به نیت طرفین، محل داوری را استنباط کرده و صلاحیت خود را اعمال نماید. با این حال، زمانی که نواقص اساسی در نحوه تشکیل هیئت داوری مشاهده شد، دادگاه اجرای رأی را نپذیرفت (Welmans & Luttrell, 2022).

در کشورهایی مانند پاکستان و مالزی نیز فقدان چارچوب‌های دقیق در تعیین محل داوری آنلاین دیده می‌شود. طاهر در بررسی ساختار داوری در پاکستان به این موضوع پرداخته که در غیاب قوانین مشخص برای داوری دیجیتال، دادگاه‌ها به محل فیزیکی تنظیم قرارداد یا اقامت یکی از طرفین به عنوان محل داوری استناد می‌کنند، که این رویکرد در داوری‌های بین‌المللی منجر به تعارض صلاحیت می‌شود (Tahir, 2023). در همین راستا، رسولی در پژوهش خود از ساختار داوری در مالزی اشاره می‌کند که نظام حقوقی این کشور نیز هنوز روشی جامع برای تعیین صلاحیت قضایی در داوری‌های الکترونیکی تدوین نکرده است و این خلأ در رویه‌های قضایی نیز منعکس شده است (Rosli, 2021).

موضوع دیگری که در بحث صلاحیت قضایی اهمیت دارد، تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به اعتراضات نسبت به رأی داوری است. در داوری سنتی، دادگاه محل داوری مسئول بررسی صحت رأی و رسیدگی به درخواست ابطال آن است. اما در داوری آنلاین، به دلیل نداشتن محل مشخص، ممکن است طرفین به دادگاه‌های مختلف مراجعه کنند و ادعا کنند که آن دادگاه صلاحیت رسیدگی دارد. این مسئله در تحلیل دی‌ماتئو به عنوان یک چالش بنیادی در کنترل قضایی رأی داوری مطرح شده است؛ زیرا در غیاب محل مشخص، ممکن است هیچ دادگاهی به طور قطعی صلاحیت خود را نپذیرد یا بالعکس، دادگاه‌های متعدد به طور هم‌زمان مدعی صلاحیت شوند (DiMatteo et al., 2020).

حتی در نظام‌هایی که از قوانین نمونه آنسترال پیروی می‌کنند نیز، در صورت نبود تعیین محل داوری، تعیین مرجع نظارتی بر رأی داوری دشوار می‌شود. در بررسی گرانت درباره ساختار داوری در انگلستان و فرانسه، آمده است که دادگاه‌ها برای تعیین صلاحیت خود در رسیدگی به رأی، به جایگاه داور، محل تنظیم قرارداد یا حتی زبان داوری استناد کرده‌اند، که این امر باعث ناهمگونی در رویه‌ها شده است (Grant, 2022).

در نتیجه، می‌توان گفت که ابهام در تعیین محل داوری و صلاحیت قضایی در فرآیند داوری آنلاین، از مهم‌ترین موانع در مسیر اجرای احکام صادره است. نبود چارچوب حقوقی روشن، ناهماهنگی میان نظام‌های قضایی، تفاوت در تفسیر مفاهیم حقوقی، و چالش‌های ناشی از ویژگی‌های فناورانه داوری آنلاین، همگی باعث شده‌اند که دادگاه‌ها با احتیاط و گاه بی‌اعتمادی به این نوع احکام بنگرند. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود که نظام‌های حقوقی ضمن بازنگری در قوانین موجود، تعاریف مشخصی از محل داوری در بسترهای آنلاین ارائه دهند و دستورالعمل‌هایی شفاف برای تعیین صلاحیت قضایی در داوری‌های برخط تدوین کنند. این اصلاحات نه تنها به امنیت حقوقی طرفین می‌افزاید، بلکه موجب افزایش پذیرش بین‌المللی احکام داوری آنلاین نیز خواهد شد.

نقش امضای دیجیتال، احراز هویت و الزامات فنی در اعتبار حقوقی احکام

در داوری آنلاین، که به‌عنوان یکی از جلوه‌های تحول‌یافته حل‌وفصل اختلافات در عصر دیجیتال شناخته می‌شود، فرایند صدور و اجرای حکم مبتنی بر سازوکارهایی فناورانه صورت می‌گیرد که در داوری سنتی جایگاهی نداشته‌اند. از جمله این سازوکارها می‌توان به امضای دیجیتال، فرآیندهای احراز هویت برخط و الزامات فنی مرتبط با ارسال، ذخیره و اعتبارسنجی داده‌ها اشاره کرد. این عوامل، اگرچه کارآمدی داوری الکترونیکی را افزایش داده‌اند، اما در عین حال موجب ایجاد پرسش‌های حقوقی جدیدی درباره اعتبار احکام صادره در فضای مجازی شده‌اند؛ پرسش‌هایی که اجرای این احکام را در بسیاری از نظام‌های قضایی با ابهام و حتی مانع مواجه ساخته‌اند.

امضای دیجیتال به‌عنوان جایگزینی برای امضای دستی، نقش بنیادینی در مشروعیت اسناد داوری الکترونیکی ایفا می‌کند. این نوع امضا، که از رمزنگاری نامتقارن برای اثبات اصالت و تمامیت سند استفاده می‌کند، در برخی نظام‌های حقوقی به‌عنوان معادل کامل امضای سنتی پذیرفته شده، اما در برخی دیگر هنوز جایگاه حقوقی روشنی ندارد. در تحلیل گرانت درباره نظام حقوقی فرانسه و انگلستان، آمده است که در مواردی دادگاه‌ها به دلیل عدم اطمینان نسبت به صحت امضای دیجیتال، از اجرای رأی داوری خودداری کرده‌اند، حتی زمانی که تمامی مراحل رسیدگی به‌صورت منصفانه انجام شده بود (Grant, 2022). این بی‌اعتمادی ریشه در نبود استانداردهای فنی واحد و تفاوت در چارچوب‌های قانونی میان کشورها دارد؛ برخی کشورها تنها امضاها را دیجیتال تأیید شده توسط نهادهای رسمی را معتبر می‌دانند، در حالی که برخی دیگر از هر نوع امضای الکترونیکی که قابل انتساب به شخص باشد، حمایت می‌کنند.

پژوهش‌هایی در زمینه ساختار داوری در نظام‌های آسیایی نیز نشان می‌دهند که پذیرش امضای دیجیتال به‌شدت وابسته به سطح توسعه حقوقی و فنی کشورهاست. برای نمونه، طاهر در بررسی ساختار داوری در پاکستان به این نکته اشاره دارد که فقدان چارچوب حقوقی مشخص برای شناسایی امضای دیجیتال، سبب شده است که دادگاه‌ها نسبت به اسناد ارائه‌شده در داوری آنلاین موضع احتیاط‌آمیز اتخاذ کنند (Tahir, 2023). این موضوع نه تنها به اعتبار حکم صادره لطمه می‌زند، بلکه فرآیند شناسایی و اجرای آن را نیز دچار پیچیدگی می‌سازد. در همین راستا، آکواگیوبه نیز در مطالعه‌ای بر نظام حقوقی نیجریه تأکید کرده است که نبود استانداردهای فنی و قانونی مشترک برای امضای دیجیتال، از جمله دلایل اصلی بی‌اعتباری احکام داوری در این کشور است (Akwaigbo et al., 2024).

از منظر دیگر، احراز هویت طرفین در داوری آنلاین از دیگر موضوعات محوری در اعتبارسنجی حکم صادره به شمار می‌آید. در فضای فیزیکی، حضور شخص، ارائه اسناد شناسایی و امضای رسمی، هویت طرفین را آشکار می‌سازد، اما در بستر دیجیتال، ابزارهایی نظیر گواهی دیجیتال، توکن‌های احراز هویت، یا پروتکل‌های بیومتریک نقش تعیین‌کننده دارند. در پژوهش دی‌ماتئو درباره نظارت قضایی بر داوری، اشاره شده که عدم اطمینان نسبت به هویت واقعی طرفین، موجب می‌شود که دادگاه‌ها مشروعیت فرآیند رسیدگی را زیر سوال ببرند و از اجرای رأی داوری امتناع ورزند (DiMatteo et al., 2020). این موضوع به‌ویژه زمانی حاد می‌شود که یکی از طرفین ادعا کند که اصلاً در روند داوری حضور نداشته یا دسترسی به پلتفرم نداشته است. در چنین شرایطی، بار اثبات هویت طرفین، فرآیند مشارکت آنان، و صحت ابزارهای احراز هویت، بر دوش نهاد داوری یا دادگاه قرار می‌گیرد.

در پژوهش پنژوانی نیز بر این نکته تأکید شده که اجرای احکام داوری صادره در بسترهای آنلاین به‌طور فزاینده‌ای به توانمندی نهاد داوری در ثبت و مستندسازی دقیق فرایند احراز هویت وابسته است. وی بیان می‌کند که نهادهای داوری باید از فناوری‌هایی بهره ببرند که نه تنها فرآیند احراز هویت را با دقت انجام دهند، بلکه قابلیت ارائه مدارک لازم به دادگاه را نیز داشته باشند، زیرا در غیر این صورت اعتبار حقوقی حکم صادره زیر سؤال می‌رود (Panjwani & Bassiri, 2021).

نقش الزامات فنی در اعتبار حقوقی احکام داوری آنلاین نیز انکارناپذیر است. از جمله این الزامات می‌توان به امنیت سایبری بستر داوری، رمزنگاری اطلاعات، مستندسازی روند رسیدگی، ضبط جلسات مجازی، و ذخیره‌سازی مطمئن داده‌ها اشاره کرد. هرگونه نقص فنی در این زمینه‌ها می‌تواند به ادعای نقض بی‌طرفی، عدم رعایت تشریفات، یا حتی جعل در روند داوری بینجامد. پژوهش انگهولم و هاسکینگ نشان می‌دهد که بسیاری از دادگاه‌ها در هنگام ارزیابی احکام داوری آنلاین، کیفیت فنی بستر مورد استفاده را مورد توجه قرار می‌دهند، به‌ویژه اگر طرفین نسبت به امنیت یا شفافیت روند رسیدگی اعتراض کرده باشند (Engholm & Hosking, 2021). این مسئله، نهادهای داوری را موظف می‌سازد که نه تنها از فناوری‌های پیشرفته استفاده کنند، بلکه گزارش‌های فنی کاملی نیز از فرآیند داوری ارائه دهند تا اعتبار حکم در مرحله اجرا زیر سوال نرود.

در همین راستا، شایمنووا در تحلیل نظام داوری قزاقستان به یکی از پرونده‌هایی اشاره کرده که دادگاه اجرای حکم را به دلیل نقص در ذخیره‌سازی جلسات مجازی رد کرده است. در این پرونده، یکی از طرفین مدعی شد که به محتوای جلسه داوری دسترسی نداشته و هیچ مدرکی برای اثبات روند رسیدگی ارائه نشده است، و همین امر دادگاه را به لغو حکم سوق داد (Shaimenova et al., 2020). این مثال به‌خوبی نشان می‌دهد که الزامات فنی در داوری آنلاین، نه فقط ابزارهای کمک‌کننده، بلکه عناصر بنیادین در سنجش اعتبار حکم تلقی می‌شوند. همچنین در پژوهش دیمیترووا از نظام داوری بلغارستان آمده است که یکی از عوامل اصلی عدم شناسایی احکام داوری صادره در فضای دیجیتال، ابهام در تأیید صحت فایل‌های دیجیتال، فقدان ثبت دقیق زمان رویدادها، و امکان دست‌کاری در داده‌ها بوده است (Dimitrova, 2025). این مشکلات باعث شده‌اند که دادگاه‌ها رویکرد محتاطانه‌تری نسبت به احکام صادره در بسترهای فناورانه اتخاذ کنند، حتی زمانی که طرفین نسبت به اصل داوری توافق کامل داشته‌اند.

در سطح بین‌المللی، برخی از نهادها تلاش کرده‌اند تا با تدوین استانداردهایی برای الزامات فنی، مشکلات موجود در این زمینه را کاهش دهند. برای نمونه، برخی نهادهای داوری بین‌المللی مانند ICC اقدام به طراحی پروتکل‌هایی برای امنیت تبادل اطلاعات، مدیریت مدارک دیجیتال، و تأیید امضاها کرده‌اند، اما این پروتکل‌ها هنوز در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته نشده‌اند. در پژوهش ولمنز نیز آمده است که در یک

پرونده مورد رسیدگی در دادگاه فدرال استرالیا، علی‌رغم رعایت پروتکل‌های بین‌المللی در تشکیل هیئت داور، دادگاه به دلیل ایراد در روش دیجیتال انتصاب داوران، حکم را فاقد اعتبار دانست (Welmans & Luttrell, 2022).

در کشورهایی که هنوز زیرساخت حقوقی یا فنی برای داور آنلاین شکل نگرفته، موضوع اعتبار امضای دیجیتال و صحت احراز هویت پیچیده‌تر است. رسولی در بررسی ساختار داور در مالزی، اشاره کرده است که فقدان سازوکارهای الزام‌آور برای اعتبارسنجی فرآیندهای فناورانه در داور آنلاین، مانعی برای پذیرش و اجرای احکام است، حتی اگر خود نهاد داور از استانداردهای بین‌المللی پیروی کرده باشد (Rosli, 2021). در پاکستان نیز طبق تحلیل طاهر، استفاده از ابزارهای دیجیتال در داور، اگرچه در حال گسترش است، اما هنوز با مقاومت برخی از قضات روبه‌روست که اعتبار اسناد دیجیتال را زیر سؤال می‌برند (Tahir, 2023).

همچنین نباید فراموش کرد که نبود آموزش تخصصی در میان قضات و وکلای دادگستری در بسیاری از کشورها در زمینه ابزارهای دیجیتال و نحوه سنجش اعتبار آن‌ها، خود مانع مهمی در مسیر اجرای احکام داور آنلاین است. ناهنییدا با اشاره به نظام حقوقی اوکراین می‌گوید که بسیاری از دادگاه‌ها حتی با مفهوم امضای دیجیتال یا گواهی الکترونیکی آشنا نیستند، و همین ناآگاهی باعث می‌شود که فرآیند داور مشروع تلقی نشود و اجرای حکم با شکست مواجه گردد (Nahnybida, 2020).

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که امضای دیجیتال، احراز هویت دیجیتال، و رعایت الزامات فنی از ارکان اساسی در سنجش اعتبار حقوقی احکام داور آنلاین محسوب می‌شوند. این مؤلفه‌ها به همان اندازه که موجب تسهیل و تسریع روند داور می‌شوند، در صورت عدم شفافیت یا نقص در عملکرد، می‌توانند حکم را از مشروعیت حقوقی ساقط کنند. بنابراین، لازم است نهادهای داور، قانون‌گذاران و دادگاه‌های ملی، به تدوین و پذیرش استانداردهای بین‌المللی در این زمینه روی آورند تا از بروز بحران‌های ناشی از تفاوت در تفسیر یا اجرای احکام داور آنلاین پیشگیری شود. همچنین آموزش حقوقی تخصصی برای قضات، کارشناسان داور و وکلای دادگستری در زمینه الزامات فنی و دیجیتال، گامی ضروری در مسیر ارتقاء اعتبار و قابلیت اجرای احکام صادره از داورهای فناورانه خواهد بود.

بررسی خلأهای موجود در کنوانسیون نیویورک نسبت به داورهای آنلاین

کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در طول دهه‌های گذشته به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه شناسایی و اجرای احکام داور خارجی شناخته شده و مبنای عمل بسیاری از نظام‌های قضایی در حمایت از داور بین‌المللی بوده است. این کنوانسیون با هدف تسهیل اجرای احکام داور در کشورهایی غیر از محل صدور حکم، توانسته است بستر مناسبی برای توسعه داور سنتی فراهم سازد. با این حال، گسترش روزافزون داورهای آنلاین که ویژگی‌های متفاوتی از حیث شکل، ساختار، ابزارهای فنی و حتی مفاهیم بنیادین مانند صلاحیت، امضا، و مستندسازی دارند، موجب شده است که برخی از اصول و مقررات کنوانسیون نیویورک در تطابق با واقعیت‌های داور دیجیتال دچار کاستی و ناکارآمدی شوند.

یکی از مهم‌ترین خلأهای کنوانسیون نیویورک در زمینه داور آنلاین، عدم پیش‌بینی مقررات خاص برای پذیرش اسناد دیجیتال و داده‌های الکترونیکی به‌عنوان مستندات معتبر داور است. در داور سنتی، اسناد کاغذی دارای امضاهای فیزیکی مبنای شناسایی و اعتبارسنجی احکام داور هستند، اما در داور آنلاین، تمام فرآیندها از طریق پلتفرم‌های دیجیتال، ارتباطات رمزگذاری‌شده، امضاهای الکترونیکی و انتقال فایل‌های غیرمادی انجام می‌شود. این تفاوت در ماهیت اسناد، زمینه را برای تفسیرهای محدودکننده از سوی برخی دادگاه‌ها فراهم کرده است. دی‌ماتئو در تحلیل خود از چارچوب‌های نظارت قضایی بر داور تصریح می‌کند که کنوانسیون نیویورک، با وجود آنکه در زمان خود پیشرو

بوده، اما به‌هیچ‌وجه آماده پذیرش فناوری‌های دیجیتال در فرآیند داوری نیست و مفاهیم آن همچنان بر بستر فیزیکی استوارند (DiMatteo et al., 2020).

همچنین در ماده ۴ کنوانسیون نیویورک، تصریح شده است که برای شناسایی و اجرای حکم داوری، ارائه اصل حکم یا نسخه تصدیق‌شده آن ضروری است. در حالی که در داوری آنلاین، معمولاً رأی داوری به‌صورت فایل الکترونیکی امضا شده یا حتی به‌صورت رمزنگاری‌شده ارسال می‌شود. در چنین شرایطی، بسیاری از دادگاه‌ها همچنان به‌صورت سنتی درخواست ارائه نسخه چاپی همراه با مهر و امضای دستی دارند که با ذات داوری آنلاین ناسازگار است. در بررسی زاهیرالدین از اجرای آرای داوری ملغی‌شده، آمده است که دادگاه‌ها به‌ویژه در نظام‌های حقوقی محافظه‌کار، هر نوع فاصله‌گیری از اصول شکلی مندرج در کنوانسیون را مجوزی برای عدم اجرای حکم تلقی می‌کنند (Zaheeruddin, 2023).

مسئله دیگر، عدم توجه کنوانسیون نیویورک به مقوله احراز هویت و اعتبار امضای دیجیتال است. در حالی که بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر، امضای دیجیتال را در سطح داخلی یا بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند، کنوانسیون نیویورک هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارد. این سکوت حقوقی باعث شده است که دادگاه‌های کشورهای که چارچوب منسجمی برای پذیرش امضای دیجیتال ندارند، در مواجهه با احکام صادره از داوری آنلاین دچار تردید شوند. در پژوهش ارمکوا درباره داوری در چین، بیان شده است که نبود معیارهای جهانی برای پذیرش امضای دیجیتال در اسناد داوری، موجب گسست در روند پذیرش بین‌المللی این احکام شده است (Ermakova, 2022).

یکی دیگر از خلأهای عمده کنوانسیون نیویورک، ابهام در تفسیر مفهوم «محل صدور رأی» در بسترهای دیجیتال است. این کنوانسیون فرض را بر آن نهاده که هر رأی داوری در یک محل فیزیکی مشخص صادر می‌شود، اما داوری‌های آنلاین غالباً فاقد مکان فیزیکی واحد هستند یا صرفاً از طریق سرورهای ابری با محل نامعلوم انجام می‌شوند. انگهولم و هاسکینگ به این نکته اشاره دارند که ماده ۱ کنوانسیون که بر مبنای محل صدور رأی، صلاحیت اجرای آن را تعیین می‌کند، نمی‌تواند با داوری‌های بی‌مرز و غیرمتمرکز هماهنگ شود و این خلأ، مانعی برای شناسایی رأی در کشور محل اجرا ایجاد می‌کند (Engholm & Hosking, 2021). در چنین شرایطی، دادگاه‌ها برای تطبیق قواعد کنوانسیون با داوری آنلاین، یا به تفسیر موسع روی می‌آورند یا اساساً از پذیرش چنین آرای خودداری می‌کنند.

از منظر دیگر، کنوانسیون نیویورک در حوزه‌های مهمی نظیر تشخیص تعارض با نظم عمومی، صلاحیت رسیدگی، و رعایت اصول دادرسی عادلانه نیز تعاریف سنتی ارائه داده است که با ویژگی‌های داوری دیجیتال سازگاری کامل ندارند. برای مثال، در داوری آنلاین، ممکن است یکی از طرفین دسترسی مناسب به اینترنت نداشته باشد یا توانایی مشارکت کامل در فرآیند را به دلایل فنی از دست بدهد. در چنین شرایطی، دادگاه‌های برخی کشورها ممکن است رأی داوری را مغایر با اصول دادرسی عادلانه تلقی کنند. در پژوهش گرانت درباره ساختار حقوقی فرانسه و انگلستان، آمده است که دادگاه‌ها در برخی پرونده‌ها، به دلیل فقدان شفافیت یا بی‌طرفی در روند دیجیتال داوری، از اجرای رأی خودداری کرده‌اند (Grant, 2022).

از سوی دیگر، در مورد کشورهایی مانند نیجریه و پاکستان، مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که فقدان مقررات داخلی منطبق با فناوری‌های نوین، همراه با سکوت کنوانسیون نیویورک، موجب شده که دادگاه‌ها در تفسیر مقررات به‌گونه‌ای عمل کنند که عملاً مانع اجرای احکام داوری آنلاین می‌شود. آکواگیوبه با بررسی نظام حقوقی نیجریه تصریح می‌کند که عدم تطبیق ساختار حقوق داخلی با فناوری‌های جدید، در کنار خلأهای کنوانسیون، باعث شده که احکام داوری صادره از بسترهای دیجیتال عملاً غیرقابل اجرا باشند (Akwagiobe et al., 2024).

همچنین در تحلیل ظاهر درباره ساختار داوری در پاکستان، آمده است که دادگاه‌ها به دلیل نبود تعاریف مشخص در سطح بین‌المللی، نسبت به احکام داوری صادره از فرایندهای مجازی، موضعی محتاطانه و حتی منفی دارند (Tahir, 2023).

حتی در نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته مانند اتحادیه اروپا نیز، کنوانسیون نیویورک نتوانسته نقش مؤثری در تسهیل شناسایی و اجرای احکام داوری آنلاین ایفا کند. هرینکس در بررسی خود اشاره دارد که دادگاه‌های اتحادیه اروپا در برخی موارد به دلیل ابهامات کنوانسیون درباره ساختار داوری آنلاین، اجرای حکم را منوط به بررسی مستقل مفاد قرارداد داوری و فرآیند رسیدگی کرده‌اند، امری که با فلسفه تسهیل‌گرای کنوانسیون در تضاد است (Herinckx, 2023).

در برخی کشورها، این ابهامات حتی منجر به صدور احکام متضاد شده است. برای مثال، در مطالعه ولمنز درباره نظام قضایی استرالیا، دادگاه فدرال این کشور به دلیل نقص در تعیین دقیق ساختار هیئت داوری در پلتفرم دیجیتال، رأی صادره را غیرقابل اجرا اعلام کرد، اگرچه در ظاهر رأی مطابق با اصول انصاف و توافق طرفین صادر شده بود (Welmans & Luttrell, 2022). این وضعیت نشان‌دهنده آن است که در نبود قواعد تکمیلی برای تفسیر و اجرای کنوانسیون در داوری آنلاین، هر کشور بسته به تفسیر قضایی خود عمل می‌کند و این امر موجب بروز بی‌ثباتی در رویه‌های بین‌المللی شده است.

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تطبیقی نیز تأکید دارند که خلأهای کنوانسیون نیویورک در مواجهه با داوری آنلاین، مانع از تحقق اهداف اصلی آن در حمایت از داوری بین‌المللی شده است. در بررسی دیمیترووا درباره وضعیت داوری در بلغارستان، اشاره شده است که کنوانسیون نه تنها در زمینه ابزارهای دیجیتال خاموش است، بلکه دادگاه‌های داخلی نیز فاقد رویه منسجم برای تفسیر این سکوت هستند، و همین امر زمینه را برای تفسیرهای متناقض فراهم کرده است (Dimitrova, 2025).

در سطح آسیای میانه نیز، مطالعات نشان می‌دهند که کنوانسیون نیویورک به تنهایی قادر به حل مشکلات حقوقی ناشی از داوری آنلاین نیست. شایمنوا در تحلیل خود از ساختار داوری در قزاقستان می‌نویسد که کنوانسیون هیچ چارچوب روشنی برای سنجش اعتبار مستندات دیجیتال ارائه نمی‌دهد و همین فقدان معیار موجب شده که دادگاه‌ها از اصول کلاسیک برای ارزیابی داوری‌های دیجیتال استفاده کنند، که نتیجه آن رد بسیاری از احکام است (Shaimenova et al., 2020).

در پژوهش‌های ناهنیبیدا نیز تأکید شده است که ماده ۵ کنوانسیون، که به دلایل عدم شناسایی رأی پرداخته است، در فضای دیجیتال نیاز به بازتعریف دارد. زیرا بسیاری از استثنائاتی که در این ماده آمده‌اند، مانند فقدان فرصت ارائه دفاع یا مغایرت با نظم عمومی، در داوری آنلاین معانی و مصادیق متفاوتی می‌یابند (Nahnybida, 2020).

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که کنوانسیون نیویورک، علیرغم جایگاه محوری‌اش در نظام داوری بین‌المللی، در مواجهه با تحولات فناورانه و ساختارهای نوین داوری آنلاین، دچار خلأهای مفهومی، شکلی و اجرایی قابل توجهی است. نبود تعریف دقیق از اسناد دیجیتال، عدم پیش‌بینی جایگاه امضای الکترونیکی، سکوت در برابر بسترهای غیرمتمرکز، و تکیه بر مفاهیم سنتی، همگی موجب شده‌اند که دادگاه‌ها در کشورها و نظام‌های حقوقی مختلف، تفسیرهای متضاد و بعضاً متناقض از مقررات کنوانسیون ارائه دهند. این وضعیت نه تنها وحدت رویه را مخدوش می‌سازد، بلکه قابلیت اتکای حقوقی کنوانسیون را نیز کاهش می‌دهد. از این رو، ضروری است که نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه UNCITRAL، در جهت بازنگری یا الحاق پروتکل‌های تفسیری به کنوانسیون نیویورک گام بردارند و قواعدی متناسب با واقعیت‌های دیجیتال برای داوری آنلاین تدوین کنند تا اصول عدالت، اعتماد و اجرای بین‌المللی احکام داوری در دوران نوین حفظ شود.

بحث

یافته‌های به‌دست‌آمده در بخش‌های پیشین مقاله نشان می‌دهد که اجرای احکام دآوری آنلاین با چالش‌های حقوقی و مقرراتی متعددی در سطح بین‌المللی مواجه است؛ چالش‌هایی که ناشی از شکاف میان واقعیت‌های فناورانه با قواعد سنتی حقوق بین‌الملل خصوصی، خلأهای مفهومی در اسناد کلیدی نظیر کنوانسیون نیویورک، و تفاوت‌های گسترده در رویکرد کشورها به‌ویژه در موضوعاتی مانند صلاحیت قضایی، محل دآوری، امضای دیجیتال و احراز هویت است. در این بخش، تلاش می‌شود تا با اتخاذ رویکردی تطبیقی، تحلیل جامعی از وضعیت موجود در برخی نظام‌های حقوقی، همچنین ارزیابی تلاش‌های نهادهای بین‌المللی ارائه گردد و نقاط قوت و ضعف ساختارهای جاری در زمینه اجرای احکام دآوری آنلاین مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

نخستین نکته قابل توجه در تحلیل تطبیقی، ناهماهنگی میان نظام‌های حقوقی در تعیین صلاحیت قضایی و تشخیص محل صدور حکم در دآوری‌های آنلاین است. در نظام‌هایی که محل دآوری به‌صورت مشخص در قرارداد دآوری تعیین نشده باشد، دادگاه‌ها در تعیین صلاحیت برای نظارت یا ابطال رأی با تردید مواجه می‌شوند. در پژوهش انگهولم و هاسکینگ آمده است که دادگاه‌های برخی کشورها تلاش کرده‌اند با تفسیر موسع از محل سرور یا محل اقامت داوران، محل دآوری را استنباط کنند، اما این رویکرد باعث ناهمگونی رویه‌ها شده است و وحدت حقوقی را تهدید می‌کند (Engholm & Hosking, 2021). در مقابل، کشورهایی که مقررات دقیق‌تری برای تعیین محل دآوری حتی در بسترهای آنلاین تدوین کرده‌اند، موفق‌تر در پذیرش و اجرای احکام بوده‌اند.

موضوع امضای دیجیتال نیز از دیگر عناصر مهم در تحلیل تطبیقی است که در کشورهای مختلف به‌شیوه‌های متضاد مورد پذیرش یا رد واقع شده است. در نظام حقوقی فرانسه، اگرچه پیشرفت‌های قانونی در شناسایی امضای دیجیتال صورت گرفته، اما دادگاه‌ها همچنان در مواردی نسبت به اعتبار این نوع امضا در دآوری‌های آنلاین تردید دارند. گرانت در مطالعه خود تأکید می‌کند که دادگاه‌ها در فرانسه و انگلستان در مواجهه با رأی دآوری‌ای که به‌صورت دیجیتال امضا شده، گاه حتی در صورت انطباق با توافق‌نامه دآوری، آن را فاقد اعتبار شکلی تلقی می‌کنند و از اجرای آن خودداری می‌نمایند (Grant, 2022). در مقابل، در نظام‌هایی مانند ایالات متحده، اعتبار امضای دیجیتال در بسیاری از ایالت‌ها پذیرفته شده و همین موضوع موجب افزایش پذیرش آرای دآوری آنلاین شده است.

از منظر تحلیل تطبیقی تجربه برخی کشورهای آسیایی، ضعف چارچوب‌های قانونی در زمینه فناوری و حقوق دیجیتال یکی از دلایل عمده مقاومت در برابر اجرای احکام دآوری آنلاین است. در پاکستان، با وجود رشد دآوری به‌عنوان روشی جایگزین، هنوز مقررات روشنی برای ارزیابی امضای دیجیتال یا احراز هویت برخط در دآوری وجود ندارد و این موضوع اجرای احکام را با مانع مواجه ساخته است (Tahir, 2023). همچنین در نیجریه، آکواگیوبه به این مسئله اشاره می‌کند که نظام قضایی به دلیل ناآشنایی با ساختارهای فنی، احکام صادره از دآوری‌های دیجیتال را با دیده تردید می‌نگرد و از پذیرش مستندات دیجیتال اکراه دارد (Akwagiobe et al., 2024).

در همین حال، نهادهای بین‌المللی مانند کمیسیون آنسیترال (UNCITRAL) و اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) تلاش‌هایی برای تدوین دستورالعمل‌های تطبیقی در خصوص دآوری الکترونیکی آغاز کرده‌اند، اما این تلاش‌ها هنوز در سطح مقررات الزام‌آور بین‌المللی نهادینه نشده‌اند. آنسیترال در سال‌های اخیر تلاش کرده است با انتشار راهنماهایی در زمینه استفاده از فناوری اطلاعات در فرایند دآوری، بسترهایی برای هماهنگی بیشتر فراهم آورد، اما خلأهای باقی‌مانده در اسناد پایه‌ای نظیر کنوانسیون نیویورک، باعث شده است که این راهنماها تأثیر

عملی چندانی در رویه دادگاه‌ها نداشته باشند. دی‌ماتئو در همین راستا تصریح می‌کند که تا زمانی که اسناد بنیادین نظام داورى بین‌الملل بازنگری نشوند، نمی‌توان به اصلاح رویه‌ها و ایجاد هماهنگی واقعی میان کشورها امید داشت (DiMatteo et al., 2020).

در مورد کنوانسیون نیویورک نیز باید گفت که یکی از نقاط ضعف اساسی آن در زمینه داورى آنلاین، ناتوانی در تبیین روشن مفاهیمی چون "نسخه اصل رأی"، "امضای معتبر"، یا "محل صدور رأی" در بستر دیجیتال است. ماده ۴ این کنوانسیون که به نحوه ارائه رأی داورى و قرارداد داورى برای شناسایی و اجرا اشاره دارد، بر اسناد فیزیکی و اصل نسخه امضا شده تأکید دارد که با واقعیت‌های داورى آنلاین ناسازگار است. در مطالعه دیمیترووا نیز آمده است که بسیاری از دادگاه‌ها، به دلیل ابهام در تعیین اصالت فایل‌های دیجیتال، از اجرای احکام صادره از داورى‌های آنلاین خودداری کرده‌اند (Dimitrova, 2025). همین موضوع سبب شده که احکام مشروعی که در بسترهای کاملاً ایمن و بی‌طرفانه صادر شده‌اند، تنها به دلیل نواقص شکلی غیرضروری رد شوند.

در برخی از پرونده‌های عملی، نیز می‌توان ردپای همین ناهماهنگی‌ها را دید. در پرونده‌ای که توسط ولمنز تحلیل شده، دادگاه فدرال استرالیا به‌رغم صحت ماهوی رأی داورى، به دلیل نقص در ترکیب هیئت داوران که از طریق بستر دیجیتال منصوب شده بودند، اجرای رأی را مردود اعلام کرد (Welms & Luttrell, 2022). این نشان می‌دهد که ضعف هماهنگی میان ساختارهای فناورانه و الزامات سنتی آیین دادرسی، به یکی از چالش‌های جدی در اجرای احکام داورى آنلاین تبدیل شده است.

از جمله نکات قابل توجه دیگر، رویکرد محافظه‌کارانه برخی دادگاه‌ها نسبت به مفهوم نظم عمومی در داورى‌های دیجیتال است. دادگاه‌ها گاه با استناد به اینکه یکی از طرفین به بستر اینترنتی یا امکانات دیجیتال دسترسی کافی نداشته است، یا اینکه تشریفات سنتی رعایت نشده، اجرای رأی را مغایر با نظم عمومی تلقی می‌کنند. شایمنوا در بررسی پرونده‌ای در قزاقستان به موردی اشاره دارد که دادگاه به دلیل عدم دسترسی یکی از طرفین به جلسات آنلاین و نبود مدارک فنی کافی برای اثبات بی‌طرفی، حکم صادره را مغایر با اصول عدالت دانسته و از اجرای آن خودداری کرده است (Shaimenova et al., 2020).

از منظر نقاط قوت، باید اذعان داشت که داورى آنلاین ظرفیت‌هایی ویژه برای تسریع، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به عدالت دارد و در بسیاری از موارد، طرفین از فرآیند دیجیتال به دلیل کارآمدی آن رضایت داشته‌اند. تجربه نهادهای داورى بین‌المللی در استفاده از پلتفرم‌های امن، تنظیم دقیق دستورالعمل‌های رفتاری، و آموزش داوران برای تعامل دیجیتال، نشان داده است که بسیاری از نگرانی‌ها در زمینه عدالت رویه‌ای و حفظ حقوق طرفین، با تدابیر مناسب فنی و سازمانی قابل رفع است. اما این پتانسیل‌ها زمانی به ثمر خواهند نشست که نظام‌های حقوقی داخلی نیز آمادگی پذیرش این تحولات را داشته باشند و نهادهای بین‌المللی نیز در جهت به‌روزرسانی چارچوب‌های سنتی اقدام نمایند.

در نهایت، آنچه از تحلیل تطبیقی و بررسی مقررات و رویه‌ها در سطح بین‌المللی برمی‌آید، این است که فقدان یک دستورالعمل جامع، الزام‌آور و به‌روز برای پذیرش و اجرای احکام داورى آنلاین، موجب شده است که وضعیت فعلی در حالت گذار و پرابهام باقی بماند. اگرچه برخی کشورها با ابتکار عمل داخلی، گام‌هایی در جهت پذیرش داورى دیجیتال برداشته‌اند، اما نبود اجماع بین‌المللی و خلأهای مقرراتی در اسناد بنیادین مانند کنوانسیون نیویورک، موجب شده که ساختار اجرای احکام داورى آنلاین همچنان در معرض ضعف، تردید و بی‌ثباتی باشد. رفع این خلأ نیازمند تلاش هم‌زمان نهادهای بین‌المللی، اصلاحات قانونی داخلی و توسعه ظرفیت‌های فنی و آموزشی در نظام‌های قضایی است؛ امری که بدون اجماع گسترده حقوقی و سیاسی میان کشورها، دشوار اما ضروری خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در عصر دیجیتال که روابط تجاری و حقوقی بیش از پیش در بسترهای آنلاین شکل می‌گیرند، داوری آنلاین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حل و فصل اختلافات، جایگاه قابل توجهی یافته است. با این حال، اجرای احکام صادره از داوری‌های برخاسته از همپنان با موانع حقوقی، فنی و نهادی متعددی مواجه است که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، کارایی این شیوه مدرن حل اختلاف زیر سؤال خواهد رفت. بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که چارچوب‌های موجود در حقوق بین‌الملل خصوصی، به‌ویژه اسناد کلاسیکی نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های ناشی از داوری آنلاین نیستند. مفاهیمی مانند امضای دیجیتال، احراز هویت الکترونیکی، محل صدور حکم در فضای مجازی و الزامات فنی، در این کنوانسیون و دیگر اسناد بین‌المللی به‌درستی بازتعریف نشده‌اند و همین مسئله باعث شده که دادگاه‌های ملی در کشورهای مختلف، رویکردهای متضادی نسبت به شناسایی و اجرای این احکام اتخاذ کنند.

از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش، وجود تفاوت‌های جدی میان نظام‌های حقوقی در پذیرش اسناد دیجیتال، تفسیر مفاهیم مربوط به صلاحیت و نظم عمومی، و میزان انطباق مقررات داخلی با الزامات داوری آنلاین است. در برخی کشورها، نبود زیرساخت‌های فنی و فقدان رویه‌های قضایی متناسب با فضای دیجیتال، اجرای احکام داوری را دشوار کرده است. در مقابل، کشورهایی که به‌روزرسانی مقررات و پذیرش فناوری‌های نوین را در دستور کار خود قرار داده‌اند، توانسته‌اند زمینه‌های مناسبی برای اجرای احکام داوری آنلاین فراهم کنند، اگرچه این موارد نیز به دلیل خلأهای بین‌المللی، به‌صورت یکپارچه در سطح جهانی قابل تعمیم نیستند.

با توجه به چالش‌های موجود، ضروری است که اصلاحاتی جدی در سطح بین‌المللی صورت گیرد. بازنگری در کنوانسیون نیویورک یا تدوین پروتکل‌های الحاقی با محوریت داوری دیجیتال، گامی مؤثر در جهت کاهش خلأهای حقوقی خواهد بود. همچنین نهادهای بین‌المللی باید با تدوین استانداردهای فنی و رویه‌ای مشترک، به دادگاه‌ها و نهادهای داوری ملی در تفسیر و اجرای صحیح احکام کمک کنند. از سوی دیگر، کشورها باید با ارتقای دانش حقوقی قضات و وکلای خود در حوزه فناوری حقوقی، بسترهای لازم برای پذیرش داوری آنلاین را در ساختارهای حقوقی خود فراهم آورند.

در نهایت، آینده داوری آنلاین وابسته به همگرایی حقوقی، تقویت ظرفیت‌های فناورانه و اراده سیاسی کشورها برای پذیرش سازوکارهای حل اختلاف مدرن است. تنها در صورت تحقق این شرایط است که می‌توان به اجرای فراگیر، منصفانه و مؤثر احکام داوری صادرشده از بسترهای آنلاین امید داشت.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The exponential advancement of digital technologies has significantly reshaped the legal landscape, especially in the domain of international dispute resolution. Among the most prominent

developments in this regard is the emergence and growing reliance on online arbitration as a method for resolving commercial conflicts efficiently and across borders. Online arbitration—characterized by digital communication, virtual hearings, electronic document exchange, and remote deliberations—offers notable advantages such as speed, cost-efficiency, and increased accessibility. However, while the substantive conduct of arbitration has adapted relatively swiftly to technological change, the enforcement of online arbitration awards remains mired in ambiguity, regulatory fragmentation, and structural legal constraints. These issues stem largely from the fact that most legal systems and international instruments—particularly the 1958 New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards—were not designed with digital proceedings in mind. The lack of definitional clarity, inconsistent recognition of digital signatures, and jurisdictional uncertainty have raised profound questions about the enforceability of awards rendered in non-traditional formats (DiMatteo et al., 2020; Zaheeruddin, 2023).

A central concern in enforcing online arbitration awards is the divergent treatment of digital documents and e-signatures across jurisdictions. Although many national laws now provide for the recognition of electronic signatures and digital evidence, significant discrepancies persist in terms of their validity and evidentiary weight. In several countries, courts require the “original” arbitral award, typically understood as a physical document with a wet-ink signature, for enforcement under Article IV of the New York Convention (Dimitrova, 2025). This creates substantial complications for awards rendered exclusively in electronic form and signed digitally by arbitrators, especially when such signatures are not backed by certificates from recognized certification authorities. While legal systems like those in France and the UK have begun to accept qualified digital signatures in various judicial processes, their application to arbitration remains uneven and context-dependent (Grant, 2022). Furthermore, countries with weaker technological infrastructure or outdated legislative frameworks—such as Nigeria and Pakistan—often lack clear legal provisions on the evidentiary status of digital awards, leading to inconsistent rulings and procedural delays (Akwagiobe et al., 2024; Tahir, 2023).

Another major legal ambiguity concerns the identification of the seat of arbitration in online settings. In traditional arbitration, the seat plays a pivotal role in determining the applicable procedural law, the competent court for annulment proceedings, and ultimately, the framework for recognition and enforcement. Online arbitration, however, often lacks a clear geographical locus. Proceedings may be conducted entirely online through cloud-based platforms with no connection to a specific jurisdiction, raising concerns about the applicability of national arbitration laws and the jurisdiction of local courts. The New York Convention’s reliance on the “place where the award was made” further complicates matters in digital contexts where no physical “place” can be easily ascertained (Engholm & Hosking, 2021). Courts have thus been compelled to improvise, either by deeming the seat to be the legal domicile of the arbitral institution, the location of the server, or the registered address of the parties. This unpredictability undermines legal certainty and has prompted some courts to refuse enforcement outright due to uncertainty over jurisdictional competence (Hovhannisyan, 2023).

Closely related to jurisdictional ambiguity is the issue of party identification and digital authentication, which presents unique challenges in virtual arbitration. Unlike physical hearings where identification is straightforward, online arbitration requires reliable digital authentication mechanisms to confirm the parties’ identities, their consent to arbitrate, and their participation throughout the process. However, many arbitrations are conducted without robust identity verification protocols or fail to maintain comprehensive digital records, thereby exposing the process to challenges concerning due process and procedural fairness. Courts in countries like Kazakhstan

and Bulgaria have refused to recognize awards when the underlying arbitration was found to lack transparency in identity verification or when one party alleged that it had not been properly included in the proceedings (Dimitrova, 2025; Shaimenova et al., 2020). These procedural deficiencies, often linked to inadequate use of secure digital tools, contribute to the perception that online arbitration may be vulnerable to manipulation or misconduct, even when the outcome itself is substantively fair and reasonable.

At the international level, the absence of binding instruments or interpretative protocols tailored to the online arbitration context has hindered the development of a coherent legal standard. The New York Convention, despite its enduring significance, remains silent on essential features of modern arbitral practice, including the use of video conferencing, encrypted communication, and cloud storage. Recent soft law initiatives—such as the UNCITRAL Technical Notes on Online Dispute Resolution and ICC guidance documents—have offered some procedural suggestions but lack binding authority and global adoption (DiMatteo et al., 2020). Moreover, such guidance often remains too generic to address the specificities of enforcement mechanisms. For example, while the UNCITRAL notes recommend the use of secure and verifiable platforms, they do not define what constitutes an “adequate” platform nor how courts should evaluate the technical integrity of digital proceedings in enforcement actions. This regulatory void leaves courts to rely on domestic standards, which vary widely in technological sophistication and judicial familiarity with digital processes (Herinckx, 2023).

The comparative experiences of jurisdictions reveal a fragmented and evolving legal landscape. In countries with progressive legal cultures and integrated digital governance, such as Malaysia and parts of the EU, there is a gradual move toward recognizing the legitimacy of online arbitration awards, provided that minimal procedural guarantees are met (Rosli, 2021; Welmans & Luttrell, 2022). Conversely, in jurisdictions where legal norms remain closely tied to paper-based processes and rigid formalities, digital arbitral awards continue to face formidable resistance. For instance, courts in Nigeria and Armenia have shown reluctance to enforce awards where digital signatures or electronic transmission mechanisms did not meet strict formalistic criteria or where online hearings were perceived to lack impartiality (Akwagiobe et al., 2024; Hovhannisyan, 2023). These contrasting approaches underscore the need for harmonized international standards that recognize the distinct characteristics of online arbitration without compromising legal safeguards. Furthermore, courts and practitioners in emerging markets would benefit from targeted capacity-building programs to enhance their understanding of the interplay between legal validity and technological reliability in the digital arbitration process.

In conclusion, while online arbitration offers a promising path forward for efficient and accessible dispute resolution in an increasingly digital world, its potential remains constrained by the outdated assumptions and structural limitations embedded in current legal instruments. The enforcement of online arbitration awards exposes significant regulatory and procedural gaps that legal systems have yet to adequately address. Bridging this gap requires not only legal reform at both national and international levels, but also a paradigm shift in how courts and policymakers conceptualize evidence, authority, and procedural fairness in a digital context. International bodies must lead the way in drafting supplemental instruments or interpretive guidelines for the New York Convention that explicitly address the peculiarities of online arbitration, including issues of seat, authentication, digital documentation, and minimum technological standards. Only through such collective efforts can the promise of online arbitration as a credible and enforceable dispute resolution method be fully realized.

References

- Akwagiobe, A. R., Mercy, O., & Lovina, O. (2024). Appraisal of Challenges Confronting Recognition and Enforcement of Arbitral Awards in Nigeria. *Nijciam*, 4(2), 35-44. <https://doi.org/10.59298/nijciam/2024/4.2.73544>
- DiMatteo, L. A., Infantino, M., Potin, N. M., & Judicial Control over Arbitral, A. (2020). The Cambridge Handbook of Judicial Control of Arbitral Awards. <https://doi.org/10.1017/9781316998250>
- Dimitrova, T. L. (2025). Clarifying Arbitration Agreements' Validity, but Confusing Enforcement: Bulgaria's Arbitral Tango. *Strani Pravni Zivot*, 68(4), 715-731. https://doi.org/10.56461/spz_24413kj
- Engholm, M., & Hosking, J. M. (2021). The Central Importance of the Seat in Online Dispute Resolution. *BCDR International Arbitration Review*, 8(Issue 1), 103-120. <https://doi.org/10.54648/bcdr2021031>
- Ermakova, E. P. (2022). What Is Included in the Concept of Online Arbitration in China? *Russian Justice*(10), 58-66. <https://doi.org/10.37399/issn2072-909x.2022.10.58-66>
- Grant, T. D. (2022). Arbitration, Corruption and Post-Award Control in French and English Courts. *International and Comparative Law Quarterly*, 71(2), 481-496. <https://doi.org/10.1017/s0020589322000070>
- Herinckx, Y. (2023). Enforcement of Awards v. Enforcement of Judgments in the EU: Arbitration Must Catch Up. *Journal of International Arbitration*, 40(Issue 2), 155-178. <https://doi.org/10.54648/joia2023008>
- Hovhannisyan, V. N. (2023). The Key Issues of the Execution of the Arbitral Awards in the Republic of Armenia. *Bull. YSU C: Jurispr.*, 14(2 (39)), 159-169. <https://doi.org/10.46991/bysu:c/2023.14.2.159>
- Kocev, L. (2025). Challenges in the Process of Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards in the Republic of North Macedonia. 67-85. https://doi.org/10.1007/978-3-031-76345-8_5
- Nahnybida, V. (2020). The Influence of the Law of the Country of the Place of Enforcement of the Arbitral Award on the Settlement of Disputes in the International Commercial Arbitration. *University Scientific Notes*, 86-97. <https://doi.org/10.37491/unz.73.8>
- Panjwani, P., & Bassiri, N. (2021). Cross-Border Enforcement of Arbitral Awards Rendered in ODR. *BCDR International Arbitration Review*, 8(Issue 1), 145-174. <https://doi.org/10.54648/bcdr2021033>
- Rosli, I. C. (2021). International Commercial Arbitration in Malaysia. *Pertanika Journal of Social Sciences and Humanities*, 29(S2). <https://doi.org/10.47836/pjssh.29.s2.10>
- Shaimenova, A., Ilyassova, G., Klyuyeva, Y. M., & Khashimova, A. (2020). Development of the Institution of Arbitration in Kazakhstan: Problems of Theory and Practice. *Journal of Advanced Research in Law and Economics*, 11(1), 169. [https://doi.org/10.14505/jarle.v11.1\(47\).21](https://doi.org/10.14505/jarle.v11.1(47).21)
- Tahir, M. I. (2023). Arbitration System in Commercial Disputes in Pakistan and Enforcement of Foreign Awards. *Al-Nasr*, 73-92. <https://doi.org/10.53762/alnasr.02.03.e06>
- Taqwa, M. D., Prabhaswari, A. L., & Subiyanto, M. J. P. (2024). Inconsistency in Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: Non-Compliance or Normative Factors? *Jurnal Bina Mulia Hukum*, 8(2), 258-175. <https://doi.org/10.23920/jbmh.v8i2.1310>
- Welmans, L., & Luttrell, S. (2022). Jumping the Gun: Federal Court of Australia Declines Enforcement of Qatari Award on the Basis of Defective Constitution of Court- Appointed Arbitral Tribunal. *Amdm*, 88(Issue 1), 178-188. <https://doi.org/10.54648/amdm2022010>
- Zaheeruddin, M. (2023). Recognition and Enforcement of Annulled Arbitral Awards Under the New York Convention 1958. *International Journal of Professional Business Review*, 8(7), e02637. <https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i7.2637>